

Thematic Analysis of Strategic Documents and Policies Related to Women's Economic Participation¹

Zahra Mirhosseini²

Associate Professor, Department of Women and Family Studies, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran

Kosar Khosravi Dehaghi

PhD Candidate in Women And Family Studies, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Received: 1 July 2023

Revised: 3 December 2023

Accepted: 20 December 2023

Abstract

Today, women's economic participation is deemed an important and fundamental topic worldwide. Many countries strive to increase women's economic participation by legislating and formulating executive policies. The purpose of this research is to identify and analyze the existing policies and strategic documents related to women's participation in the economic sphere as well as various economic domains, including employment, entrepreneurship, investment, etc., in Iran. The research employs a qualitative method, and the collected data are coded using thematic analysis, from which concepts and themes are extracted. The statistical population includes all the top national documents in the Iranian system, including 25 documents that make reference to women and their economic participation. The research findings can be categorized into two overarching themes. The first one, "Women's Participation under Inclusive Laws and Policies" is further divided into two organizing themes, "Protection of Human Rights" and "Promotion of Social Justice". The second one, "Women's Participation in Laws

1. This work is based upon research funded by Iran National Science Foundation (INSF) under project No. "99026739".

2. Corresponding author. Email: z.mirhosseini@alzahra.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license:

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Mirhosseini, Z. and Khosravi Dehaghi, K. (2024). Thematic Analysis of Strategic Documents and Policies Related to Women's Economic Participation. Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 21(4), 31-70. doi: 10.22067/social.2023.82714.1354

and Policies Specific to Them" embraces three organizing themes, i.e., "Providing Opportunities for Women's Economic Participation", "Supporting the Sustained Participation and Strengthening Women's Status" and "Eliminating Barriers to Economic Participation". Overall, the findings suggest that although existing laws and policies pay special attention to women and address the issue of women's economic participation in some regulations and programs, there are ample challenges and obstacles to the practical implementation of these laws and policies. Consequently, women's economic participation remains a contentious issue.

Keywords: Economy, Strategic Documents, Social Policy-Making, Women, Economic Participation.





Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

تحلیل مضمون اسناد بالادستی و سیاست‌های مرتبط با مشارکت زنان در اقتصاد^۱

زهرا میرحسینی (دانشیار گروه مطالعات زنان و خانواده، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران،

نویسنده مسئول)

z.mirhosseini@alzahra.ac.ir

کوثر خسروی دهقی (دانشجوی دکتری مطالعات زنان و خانواده، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران،

ایران)

kosar_khosravi@modares.ac.ir

چکیده

امروزه بحث مشارکت اقتصادی زنان یکی از موضوعات مهم و اساسی در جهان محسوب می‌شود؛ به طوری که در بسیاری از کشورها تلاش می‌شود تا از طریق قانون‌گذاری و تدوین سیاست‌های اجرایی در این زمینه اقداماتی در مسیر رشد هر چه بیشتر مشارکت اقتصادی زنان انجام شود. هدف از انجام این پژوهش، احصاء و بررسی سیاست‌های موجود و اسناد بالادستی مرتبط با مشارکت زنان در عرصه اقتصاد و در بخش‌های مختلف حوزه وسیع اقتصاد اعم از اشتغال، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و... در ایران است. روش این پژوهش کیفی بوده و داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از روش تحلیل مضمون، کدگذاری شده و در نهایت مفاهیم و مضامین از آن استخراج شده است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه متون و اسناد بالادستی نظام است؛ شامل ۲۵ سند که به نوعی در آن، به موضوع زن و مشارکت اقتصادی زنان اشاره شده است.

۱. این اثر تحت حمایت مادی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور (INSF) برگرفته شده از طرح شماره «۹۹۰۲۶۷۳۹» انجام شده است.

یافته‌های این پژوهش در مجموع در دو مضمون فراگیر دسته‌بندی شده است؛ مضمون اول «مشارکت زنان در ذیل قوانین و سیاست‌های همه‌شمول» که خود شامل دو مضمون سازمان‌دهنده «تأمین حقوق انسانی» و «گسترش عدالت اجتماعی» است و مضمون دوم تحت عنوان «مشارکت زنان در قوانین و سیاست‌های مختص به آنها»، که شامل سه مضمون سازمان‌دهنده «فراهم‌نمودن امکان مشارکت اقتصادی زنان»، «حمایت از تداوم مشارکت و تقویت جایگاه زنان» و «رفع موانع مشارکت اقتصادی» است. در مجموع یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، اگرچه در قوانین و سیاست‌های موجود توجه ویژه‌ای به موضوع زن شده و در برخی قوانین و برنامه‌ها به مسئله مشارکت اقتصادی زنان پرداخته شده، باین حال چالش‌ها و موانع بسیاری در خصوص مشارکت زنان وجود دارد که موجب شده در عمل قوانین و سیاست‌ها اجرا نشده و بحث مشارکت اقتصادی زنان همچنان چالش‌برانگیز باقی بماند.

واژگان کلیدی: اقتصاد، اسناد بالادستی، سیاست‌گذاری اجتماعی، زنان، مشارکت اقتصادی.

۱. مقدمه

یکی از عوامل مهم و موثر بر رشد اقتصادی، سرمایه انسانی است که می‌تواند موجب ارتقاء و افزایش فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه شود. در این بین، زنان با داشتن نیمی از جمعیت جامعه و ایفای نقشی برجسته در خانواده و پرورش نسل، رکن مهمی از جامعه محسوب می‌شوند که بهره‌مندی از توانمندی‌ها و استعدادهایشان به‌عنوان بخش قابل توجهی از سرمایه انسانی، اثرگذاری بسیاری بر رشد اقتصادی دارد (زاهد و همکاران، ۱۳۹۹). بررسی‌ها نشان می‌دهد، با وجود اینکه زنان ۴۰ درصد از نیروی کار جهان را تشکیل می‌دهند؛ ولی باین حال، در اکثر کشورها، مشارکت زنان در نیروی کار به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی مشارکت اقتصادی، بسیار کمتر از مردان است (تادیوس^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). در بسیاری از کشورهای جهان همچنان اعمال انواع تبعیض‌های جنسیتی در حوزه آموزش، تحصیل، اشتغال و دستمزد و در مجموع شرایط نامساعد اجتماعی و

1. Thaddeus

اقتصادی، موجب در حاشیه قرار گرفتن زنان در اقتصاد و کم‌رنگ شدن نقش آنان در توسعه شده است (آزمت و پترونگولو^۱، ۲۰۱۴). برای اینکه جوامع انسانی بتوانند در جهت تحقق اهداف توسعه حرکت کنند، باید از تمامی ظرفیت و منابع انسانی به‌طور صحیح بهره‌برداری نمایند. از این رو در بسیاری از کشورها، افزایش مشارکت زنان در اقتصاد، به‌عنوان یک مسئله ضروری و حیاتی مدنظر قرار گرفته (ازغیر و وره‌رامی، ۱۴۰۱) و از آن به‌عنوان محرک اصلی رشد اقتصادی و توسعه و همچنین نشان دهنده و نتیجه توسعه نام برده شده است (تادیوس و همکاران، ۲۰۲۲؛ ساندستروم^۲ و همکاران، ۲۰۱۷؛ اکسیو^۳، ۲۰۱۵).

در بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای توسعه یافته، نرخ مشارکت زنان در اقتصاد، یکی از شاخص‌های اصلی در رابطه با بررسی وضعیت پیشرفت و یا عقب‌ماندگی و توسعه نیافتگی اقتصادی محسوب می‌شود. نرخ مشارکت زنان در اقتصاد به‌عنوان یک شاخص تجمعی، تحت تأثیر ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه قرار دارد و با توسعه کشورها نیز معمولاً قابلیت‌ها و میزان مشارکت زنان نیز افزایش می‌یابد (وریک، ۲۰۱۴). این در حالی است که زنان در خاورمیانه و از جمله کشورمان، نرخ مشارکت مطلوبی در عرصه‌های اقتصادی ندارند و نابرابری جنسیتی در حوزه‌های اقتصادی همچنان بالاست و مسبب کاهش بیشتر و بیشتر مشارکت زنان شده است. در کشورهای اسلامی، با توجه به برخورداری از منابع طبیعی، تفاوت‌هایی در نرخ مشارکت نیروی زنان وجود دارد. کشورهای برخوردار از منابع طبیعی غنی در مقایسه با کشورهای فقیر در منابع طبیعی، نرخ رشد کم‌تری در مشارکت نیروی کار زنان دارند. در این بین، زنان منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا منبعی هستند که تا به حال به شکل مؤثری از نیروی آنان در عرصه اقتصادی استفاده

-
1. Azmat & Pentrongolo
 2. Sundstrom
 3. Xu

نشده و بررسی‌های آماری نیز نرخ مشارکت این زنان را در جمعیت بالای ۱۵ سال کمتر از سی درصد نشان می‌دهد (کلهری و محمدیان، ۱۴۰۱).

در سال‌های اخیر فراهم نمودن زمینه مشارکت زنان در اقتصاد و توانمندسازی اقتصادی آنها به عنوان موضوعی حیاتی در مباحث توسعه مطرح شده که تحقق آن برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار به ویژه در حوزه‌های آموزش، کاهش فقر و نابرابری و بهبود رفاه اجتماعی ضروری است. علاوه بر این، افزایش مشارکت اقتصادی زنان برای کل جامعه نیز مفید تلقی می‌شود؛ چرا که می‌تواند منجر به افزایش بهره‌وری، رشد اقتصادی، افزایش توسعه انسانی و ثبات اجتماعی بیشتر شود، با این حال علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته همچنان چالش‌های زیادی در این زمینه وجود دارد. از این رو، از تبیین جنسیتی، عدم دسترسی به آموزش و پرورش و عدم اختصاص منابع مالی، اقتصادی، اعتباری و سرمایه‌گذاری برای راه‌اندازی و رشد کسب و کار، همچنین موانع فرهنگی اجتماعی به عنوان موانع مشارکت زنان در اقتصاد نام برده شده است (سودها و رشی، ۲۰۲۳).

در بسیاری از کشورها از طریق تدوین برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها تلاش می‌شود تا موانع مذکور تا حد زیادی برطرف شود. در ایران نیز در امر سیاست‌گذاری به مسئله مشارکت زنان در اقتصاد توجه شده و سیاست‌گذاران در تدوین برنامه‌های کلان اجتماعی و اقتصادی تلاش نموده‌اند تا به امر مشارکت زنان در اقتصاد بپردازند. در این پژوهش سعی شده با استفاده از روش تحلیل مضمون این اسناد و متون، مشارکت زنان در اقتصاد ایران، مورد بررسی قرار گیرد. این پژوهش از آن جهت حائز اهمیت است که سعی دارد تا با انجام تحلیل مضمون، توجه و دغدغه‌مندی سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران را نسبت به مسئله مشارکت اقتصادی زنان مورد واکاوی قرار داده و در نهایت دسته‌بندی از سیاست‌گذاری‌ها و اسناد و قوانین مربوط به مشارکت زنان در اقتصاد ارائه نماید.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲.۱. مروری بر پیشینه پژوهش

در زمینه مشارکت اقتصادی زنان پژوهش‌هایی مختلف داخلی و خارجی انجام شده است که البته عمدتاً پژوهش‌هایی کمی را شامل می‌شوند و اغلب آنها نیز به تحلیل و بررسی موانع و یا عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت زنان در عرصه اقتصاد (رجائیان و باقرپور، ۱۳۹۴؛ زعفرانچی، ۱۴۰۰)، موضوع اشتغال زنان و مشارکت در بازار کار (ازغیر و ورهرامی، ۱۴۰۱؛ لاهوتی و سوآمیتان، ۲۰۱۶) و یا توانمندسازی زنان (کلهری و محمدیان، ۱۴۰۱؛ سودها و رشی، ۲۰۲۳) پرداخته و به ندرت به نقد و بررسی سیاست‌گذاری‌های مربوط به افزایش مشارکت زنان در عرصه اقتصاد و اجرا پژوهی و تبیین موقعیت موجود و فاصله با موقعیت مطلوب پرداخته‌اند. از این رو در این پژوهش تلاش شده تا ضمن بررسی پژوهش‌های مرتبط با موضوع تحقیق، پژوهش‌هایی که به موضوع نزدیک بوده و یا به‌طور حاشیه‌ای به آن پرداخته‌اند نیز مورد بررسی قرار گیرد.

زعفرانچی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی الگوی مشارکت اقتصادی زنان در بازار کار با تمرکز بر ویژگی‌های فردی و خصوصیات خانواده» به بررسی الگوی مشارکت اقتصادی زنان پرداخته است. یافته‌های این پژوهش که با استفاده از اطلاعات طرح هزینه-درآمد خانوار کشور در سال ۱۳۹۷ و در نمونه آماری ۲۹۷۱۵ نفر زن متأهل کشور انجام شده، نشان می‌دهد، تحصیلات دانشگاهی مهم‌ترین عامل مؤثر بر احتمال مشارکت اقتصادی زنان متأهل بوده است. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، احتمال مشارکت زنان روستایی در اقتصاد بیش از زنان شهری است.

زاهد و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «از تبعیض جنسیتی به سوی برابری و رشد اقتصادی (مطالعه کشورهای در حال توسعه)» به بررسی تأثیر تبعیض جنسیتی در چهار حوزه بازار کار، آموزش، توانمندسازی زنان و شرایط اجتماعی بر رشد اقتصادی با استفاده از روش کتابخانه‌ای

و داده‌های انتشار یافته بانک جهانی در دوره زمانی سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۱۸ پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، در کشورهای در حال توسعه، رشد نیروی کار و باز بودن تجارت، تأثیر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی دارد. علاوه بر این در این کشورها، برابری جنسیتی رابطه معناداری با رشد اقتصادی دارد.

رجائیان و باقرپور (۱۳۹۴) با روش پویایی‌شناسی سیستم به بررسی «عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت اقتصادی» زنان پرداخته‌اند و ابتدا با بررسی وضعیت اشتغال زنان و با مرور پژوهش‌های پیشین و نظریات موجود و شناسایی برخی عوامل کلیدی مؤثر بر اشتغال زنان، اثرات متقابل این عوامل به صورت حلقه‌های بازخوردی، در یک مدل پویا دینامیکی ارائه نمودند. این مدل را دیدگاهی جامع و سیستمی به موضوع اشتغال زنان برای سیاست‌گذاران و پژوهشگران معرفی کرده‌اند و معتقدند در صورت تأمین داده‌های کمی، می‌توان با استفاده از مدل ارائه شده در این پژوهش به سناریوسازی و شبیه‌سازی مدل نیز اقدام کرد که در این صورت پیش‌بینی نرخ مشارکت اقتصادی زنان تحت سیاست‌های مختلف، امکان‌پذیر خواهد شد و می‌توان از آن بر مبنای شبیه‌سازی اثرات سیاست‌های مدنظر استفاده کرد.

علمی و روستایی‌شلمانی (۱۳۹۳) «اثر توسعه بر مشارکت اقتصادی زنان کشورهای منا» را با استفاده از روش پانل پروبیت کسری بررسی نموده‌اند. این پژوهش اثرات توسعه اقتصادی در چارچوب فرضیه U شکل و دیگر عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت زنان کشورهای منتخب خاورمیانه و شمال آفریقا را بررسی نموده است. نتایج این پژوهش نشان داده است که رابطه بین توسعه اقتصادی و نرخ مشارکت زنان کشورهای منطقه منا U شکل است. همچنین، آموزش عالی اثری مثبت و معنادار بر نرخ مشارکت زنان این منطقه دارد. نرخ بیکاری و باروری سبب کاهش حضور زنان در بازار کار شده است. با تأیید فرضیه U شکل رابطه میان توسعه اقتصادی و مشارکت زنان و با توجه به دوران گذار کشورهای مورد مطالعه از مراحل توسعه‌یافتگی، افزایش سطح سواد به‌ویژه در میان دختران،

افزایش نرخ مشارکت زنان در این کشورها مورد انتظار است. این پژوهش به سیاست‌گذاران اقتصادی هشدار می‌دهد که با زمینه‌سازی و سرمایه‌گذاری مناسب جهت تسهیل حضور زنان در بازار کار، از سرمایه فکری و معنوی نیمی از نیروی بالقوه جامعه، بهتر استفاده نمایند.

از معدود پژوهش‌هایی که با هدف و مسئله پژوهش حاضر قرابت بیشتری دارد و به یکی از ابعاد مشارکت اقتصادی یعنی اشتغال پرداخته است، می‌توان به پژوهش تاج‌مزینانی و یاسری (۱۳۹۲) اشاره کرد. این پژوهش در تلاش برای بررسی سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در حوزه اشتغال زنان و توصیف وضع موجود بوده است و با استفاده از تحلیل محتوای کیفی، متن کلیه سیاست‌ها و قوانین مصوب در نهادهای اصلی سیاست‌گذار و قانون‌گذار در جمهوری اسلامی ایران با احصاء و تبیین مقولات و موضوعات مورد توجه در این سیاست‌ها و قوانین بررسی شده است. سیاست‌گذاری اجتماعی با محور کلان سیاست‌های تشویقی-ترویجی که خود شامل دو دسته مقوله "اشتغال متناسب زنان" و "اشتغال بدون قید زنان" و محور کلان سیاست‌های حمایتی شامل دو محور خردتر "حمایت از زنان شاغل" و "حمایت از غیرشاغلین زن" می‌باشد، به موضوع اشتغال زنان توجه کرده است. این پژوهش تأکید دارد که بسیاری از سیاست‌های کلی فاقد پشتوانه در قوانین جاری جهت عملیاتی شدن بوده و لذا در حد شعار باقی مانده است.

در میان محققین و پژوهش‌های خارجی نیز می‌توان به تحقیقات زیر اشاره نمود:

سودها و رشی (۲۰۲۳)، در پژوهشی با موضوع «آزادسازی قدرت: توانمندسازی زنان برای یک اقتصاد قوی‌تر» به بررسی تأثیر توانمندسازی زنان بر اقتصاد و بر افزایش مشارکت زنان در اقتصاد و اشتغال و همچنین شناسایی موانعی که در مشارکت اقتصادی با آن مواجه هستند، با استفاده از روش ترکیبی پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، توانمندسازی زنان می‌تواند منجر به افزایش رشد اقتصادی، بهبود رفاه اجتماعی و افزایش توسعه انسانی می‌شود.

رشی و سودها (۲۰۲۳)، در پژوهشی با موضوع «شکاف جنسیتی دستمزد و تأثیر آن بر توانمندسازی اقتصادی زنان» که با استفاده از روش کمی و کیفی و با هدف بررسی رابطه میان شکاف جنسیتی دستمزد و توانمندسازی اقتصادی زنان انجام شده به این نتایج دست یافته‌اند که شکاف میان دستمزد تأثیر قابل توجهی بر توانمندسازی اقتصادی زنان دارد و استقلال آنها را محدود می‌نماید. این مطالعه بر اقدامات مداخله‌ای در قالب سیاست‌گذاری و تغییرات فرهنگی با هدف کاهش شکاف جنسیتی دستمزد و ارتقای توانمندسازی اقتصادی زنان تأکید دارد.

تادیوس و همکاران (۲۰۲۲)، در مقاله‌ای با موضوع «نرخ مشارکت زنان در نیروی کار و رشد اقتصادی در جنوب صحرای آفریقا» که با هدف بررسی سهم نرخ مشارکت زنان بر رشد اقتصادی در طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۹ در جنوب صحرای آفریقا انجام شده، نمونه‌ای شامل ۴۲ کشور آفریقایی را با استفاده از داده‌های سالانه شاخص‌های توسعه بانک جهانی مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، یک رابطه بلندمدت معنادار میان نیروی کار زنان و رشد اقتصادی در جنوب صحرای آفریقا وجود دارد.

انگربینی^۱ و همکاران (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «برابری جنسیتی و رشد اقتصادی در جهت تحقق اهداف توسعه پایدار»، که با هدف تجزیه و تحلیل تأثیر برابری جنسیتی بر رشد اقتصادی در اندونزی در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۹، با استفاده از روش تحلیل کمی و توصیفی در ۲۳ استان اندونزی انجام شده، به این نتایج دست یافته‌اند که بهبود کیفیت منابع انسانی زنان که با آموزش و سلامت و نرخ مشارکت سنجیده می‌شود، عاملی مهم بوده؛ ولی باین حال در پیش‌برد رشد کلی اقتصاد کافی نیست و باید با اتخاذ سیاست‌های مناسبی همراه باشد که زمینه دسترسی به شغل‌های خوب، محیط کار امن و دستمزد مناسب را به نفع زنان فراهم نماید.

۲.۲. چارچوب مفهومی

1. Anggraeni.

از آنجا که پژوهش حاضر با استفاده از روش تحقیق کیفی انجام شده، با توجه به سنت پژوهش‌های کیفی فاقد چارچوب نظری است؛ بدین صورت که نظریه و فرضیاتی اساس کار قرار نگرفته است. با این حال این امر به معنای خالی بودن ذهن از مباحث نظری و تئوریک نبوده و به نظریات موجود در تمام مراحل تحقیق در قالب مفاهیم نظری و چارچوب‌های ارجاعی و استنادی، توجه خواهد شد. در ادامه به این نظریات اشاره شده است.

۲.۲.۱. رویکرد فمینیستی

یکی از رویکردهای نظری قابل ارجاع در تبیین موضوع مشارکت زنان در اقتصاد، رویکرد فمینیستی است که ریشه در اقتصاد فمینیستی و مفهوم جنسیت دارد. برابری اقتصادی مدنظر فمینیست‌ها، نظریه‌ها و مدل‌های اقتصاد سنتی را به چالش کشیده و مورد نقد قرار می‌دهد که سهم زنان را در اقتصاد نادیده گرفته و یا کم‌ارزش تلقی نموده و زنان را به حاشیه رانده‌اند. در رویکرد فمینیستی این‌گونه استدلال می‌شود که سیستم اقتصادی باید به گونه‌ای طراحی شود که برابری جنسیتی را ارتقاء داده و زمینه مشارکت زنان را در اقتصاد فراهم نموده و علاوه بر این کارهای مراقبتی بدون مزد زنان در خانواده و جوامع را به رسمیت بشناسد (سودها و رشی، ۲۰۲۳).

۲.۲.۲. جریان‌سازی جنسیتی

این رویکرد بر این باور است که زنان در فرایند طراحی، اجرا، پایش و ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های کشورها و در تمامی سطوح، نه جدای از مردان، که هم پای آنها می‌بایست، دیده شوند. جریان‌سازی جنسیتی، فرآیند ارزیابی آثار و عملکرد برنامه‌ها؛ شامل قوانین، سیاست‌ها و طرح‌ها در کلیه زمینه‌ها و در کلیه سطوح برای زنان و مردان و همچنین یکی از راهبردهای حصول اطمینان از گنجاندن شدن مسائل زنان و مردان در تهیه، اجرا، پایش و ارزیابی سیاست‌ها و طرح‌ها در تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است؛ به گونه‌ای که در آن زنان و مردان به‌طور مساوی متفع گردند و نابرابری حاکم نباشد. جریان‌سازی جنسیتی، ابعاد جنسیتی را در کلیه بخش‌های

سیاست‌گذاری با صراحت مطرح کرده و به‌عنوان یک مسئله مجزا بدان نمی‌نگرد. علاوه بر این، در این رویکرد زنان در انزوا در نظر گرفته نشده؛ بلکه همچون مردان در فرایند توسعه، فعال و اثرگذار بوده و از بهره‌مندان آن به‌شمار می‌روند (فلاحی، ۱۳۹۶).

۳. ۲. ۲. توانمندسازی

از جمله رویکردهای مطرح در تدوین برنامه‌ریزی جنسیتی و مشارکت دادن زنان در اقتصاد و وارد کردن آنها به حوزه توسعه، نظریه توانمندسازی است که توجه ویژه به حق انتخاب زنان و لزوم در دست گرفتن کنترل منابع مادی و غیرمادی در جهت ایجاد تغییراتی در زندگی خود آنها دارد. این رویکرد توسعه مشارکتی را در برابر توسعه مبتنی بر فشار دولت قرار می‌دهد و مشارکت تمامی گروه‌های حاشیه‌ای در امر توسعه را مطرح می‌کند. از نظر این رویکرد، توانمندی مبتنی بر اصول و مراحل است که تحقق آنها به صورت یک مجموعه می‌تواند زن را از جایگاه نابرابر به جایگاه برابر ارتقاء بخشد. دسترسی به اطلاعات، مشارکت، کنترل و پاسخگویی و نهایتاً توانایی سازماندهی از اصول اساسی در توانمندسازی می‌باشد. این اصول توانمندی را در برابر وضعیت بی‌قدرتی زنان قرار می‌دهند که آنها را به تبعیض جنسیتی کشانده است. در ارتباط با توانمندسازی سه حوزه باید دچار تغییر شود: حوزه فردی، ساختاری و روابط. در حوزه ساختاری تغییر رسوم، سنت‌ها و ارزش‌های ناعادلانه در دستور کار قرار می‌گیرد. در حوزه تغییر روابط نیز روابط زنان با سایر نهادها و گروه‌های مدنی و اجتماعی دچار تغییر می‌شود (میروسی نیک، ۱۳۹۳).

۴. ۲. ۲. مشارکت زنان در توسعه

الگوهای توسعه و نقشی که برای زنان در اجرای آنها در نظر گرفته می‌شود، منجر به شکل‌گیری نظریاتی در خصوص نقش زنان و نحوه مشارکت آنها در توسعه شده است که از مهم‌ترین مراجع در موضوع نظریات مشارکت زنان در اقتصاد هم به‌شمار می‌آیند. استروبوسراپ^۱ نخستین کسی بود

1. Esther Boserup

که با انتشار کتاب «نقش زنان در توسعه اقتصادی» در سال ۱۹۷۰ وضعیت نابرابر زنان در توسعه اقتصادی را به چالش کشید و به اهمیت نقش زنان در اقتصادهای کشاورزی و عدم تطابق پروژه‌های توسعه با این واقعیت پرداخت (ارا، ۲۰۲۰). بحث لزوم توجه ویژه به مسائل زنان در گفتمان توسعه سازمان ملل برای پیشرفت زنان با آغاز دهه ۱۹۷۵ شدت یافت. از این دوران به بعد سه رویکرد در مورد زن و توسعه و در راستای احقاق حقوق زنان ایجاد شد و در دستور کار سیاست‌گذاری‌های توسعه قرار گرفت. این سه رویکرد عبارتند از: «زنان در توسعه^۲»، «زنان و توسعه^۳» و «جنسیت و توسعه^۴» (سدیک^۵ و همکاران، ۲۰۲۰).

به طور کلی در این سه رویکرد، سه مسئله اساسی در خصوص ارتباط زنان با توسعه مطرح است: (۱) زنان هم اکنون از لحاظ اقتصادی بیش از آنچه که معمولاً تشخیص داده می‌شود، یاری می‌رسانند.

(۲) ظرفیت زنان برای کار کردن اغلب به طور خاص به خاطر فرهنگ و سنت که گهگاه به صورت قانون یا سیاست‌ها درمی‌آید، محدود و از تولیدگری آنان می‌کاهد.

(۳) سرمایه‌گذاری درباره زنان می‌تواند مسیری سودمند برای کارایی اقتصادی و دیگر اهداف توسعه باشد. زنان اغلب هدف یا بهره‌ور تلقی می‌شوند و در مواردی بسیار اندک کارگزار یا یاریگر کارآمدی در توسعه به شمار می‌روند.^۶

۳. روش پژوهش

1. Ara
2. WID: Women in development
3. WAD: Women and development
4. GAD: Gender and development
5. Sadik
6. The World Bank(1989)

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی است. هدف از پژوهش کیفی دستیابی به درک و فهمی عمیق از پدیده است. در این پژوهش با توجه به موضوع تحقیق، جامعه آماری شامل همه متون و اسناد بالادستی مرتبط با مشارکت زنان در اقتصاد، پس از انقلاب اسلامی است که با استفاده از روش تحلیل مضمون، مورد تحلیل و مطالعه قرار گرفته است. متون و اسناد بالادستی شامل مواردی نظیر قانون اساسی، برنامه‌های پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سیاست‌های کلی خانواده، آیین‌نامه استخدامی و در مجموع ۲۵ سند است که عنوان و شرح کامل آن در پیوست ارائه شده است.

۱.۳. روش نمونه‌گیری و گردآوری داده‌ها

در این پژوهش تلاش شده تا نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شود. در تحقیق کیفی حجم نمونه اهمیت ندارد؛ بلکه آنچه مهم است اشباع داده‌های تحقیق و جمع‌آوری داده‌های غنی است. از این رو سعی شده تا ضمن رعایت حداکثر گوناگونی به منظور افزایش اعتبار یافته‌های تحقیق، نمونه‌گیری تا زمان اشباع داده‌ها صورت پذیرد. در مرحله نمونه‌گیری ابتدا کلیه متون و اسناد بالادستی جمع‌آوری شده، شامل ۲۵ سند ذکر شده در قسمت بالا است که مورد هم‌شماری قرار گرفته و کلیه این متون بر حسب قرابت بیشتر با موضوع مشارکت اقتصادی زنان و از میان قوانین و سیاست‌های ذکر شده گوناگون که در سال‌های مختلفی ارائه و تصویب شده‌اند مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. در فرایند تحلیل داده‌ها به جای اینکه فرایند گردآوری داده‌ها مبتنی بر فرضیاتی باشد که از دل نظریات بیرون آمده، نقطه شروع آن براساس اهداف و سوالات تحقیق بوده است. همچنین تلاش شده است قوانین و سیاست‌هایی که در ذیل یک مضمون قرار گرفته‌اند، به ترتیب از کلان‌ترین و بالادستی‌ترین‌ها شروع شود و به آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی برسد و ترتیب زمانی سندها و تقدم و تأخر بندها در یک سند رعایت شود.

۲.۳. تحلیل داده‌ها

در فرایند تحلیل داده‌ها، از تکنیک تحلیل مضمون یا تماتیک^۱ استفاده شده است. در تحلیل مضمون تلاش بر این است تا مضامین آشکار و پنهان موجود در داده‌های کیفی استخراج شوند. مضمون بیانگر اطلاعات مهمی در خصوص داده‌ها و سوالات پژوهش است و تم‌ها و الگوهای موجود در داده‌های پژوهش را نشان می‌دهد (براون و کلارک^۲، ۲۰۰۶). در تحلیل مضمون، ابتدا ایده‌های اصلی متن با واحد تحلیل جمله شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد آنها در داده‌ها کشف می‌گردد. در مراحل بعد با پالایش، ادغام و مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌ها، ارتباط میان مفاهیم، شناسایی و در قالب مقوله‌ها منظم می‌شوند، سپس مقوله‌های اصلی مشخص شده و براساس مضامین دسته‌بندی می‌شوند. مضامین به دست آمده با ارجاع و استناد به داده‌ها تفسیر شده و در نهایت در قالب الگوی شبکه مضامین ارائه می‌شود. در شبکه مضامین همه مضامین اصلی در کنار هم ترسیم شده و ابزاری قوی برای دسته‌بندی و ارائه تحلیل‌های کیفی می‌باشد (آترید-استرلینگ^۳، ۲۰۰۶). در این پژوهش، مضامین به دست آمده تحت عنوان مفاهیم اولیه، مضامین پایه^۴، مضامین سازمان‌دهنده^۵ و مضامین فراگیر^۶ ارائه شده است.

۳.۳. اعتباریابی و پایایی پژوهش

معیارهای مختلفی برای ارزیابی کیفیت تحقیقات کیفی وجود دارد. یکی از معیارهای رایج، معیار اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) است که دربرگیرنده معیارهای باورپذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری می‌باشد (کرسول، ۱۳۹۴). برای تضمین معیار باورپذیری، گردآوری و تحلیل داده‌ها فارغ از تعصب و ذهنیات پیشین محقق انجام گرفته و در مراحل مختلف

1. Thematic Analysis
2. Braun & Clarke
3. Attride-Stirling
4. Basic Themes
5. Organizing Themes
6. Comprehensive Themes

پژوهش با افرادی که درگیر پژوهش نیستند، بحث و تبادل نظر شده است. رعایت حداکثر تنوع در انتخاب نمونه‌ها و متون تحلیل شده در راستای افزایش معیار انتقال‌پذیری است و علاوه بر این به منظور کاهش شائبه تفسیرهای شخصی در بخش گزارش یافته‌ها در ذیل هر مضمون، سند مرتبط، نقل شده است. برای اطمینان‌پذیری پژوهش مراحل گردآوری و تحلیل داده‌ها و مراحل مختلف کدگذاری داده‌ها توضیح داده شده و تمام جزئیات مراحل گردآوری و تحلیل داده‌ها شامل متون و اسناد بالادستی، کدگذاری و مفاهیم و مضامین مربوطه، جدول خلاصه‌سازی مفاهیم در قالب مضامین و شواهد مربوط به هر مضمون مستندسازی شده است. در نهایت به منظور افزایش تأییدپذیری، در مراحل کدگذاری، ضمن انجام کدگذاری و استخراج مفاهیم و مقولات به طور جداگانه توسط محققین مشارکت‌کننده در پژوهش و در نهایت رسیدن به اجماع در رابطه با مفاهیم و مضامین به دست آمده مورد تأیید افراد متخصصی که در انجام پژوهش مشارکت نداشته، قرار گرفته و تأیید شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش دو مضمون فراگیر «مشارکت زنان در ذیل قوانین و سیاست‌های همه‌شمول» و «مشارکت زنان در قوانین و سیاست‌های مختص به آنها» به دست آمد که خود در بردارنده پنج مضمون سازمان‌یافته و ۱۱ مضمون پایه و حدود ۶۵ مفهوم اولیه است. در ادامه شرح مفصل یافته‌های تحقیق ارائه شده است. به منظور کاهش شائبه تفسیرهای شخصی و به منظور افزایش اعتبار یافته‌های پژوهش، به متن اسناد بالادستی مرتبط با مضامین ذکر شده، ارجاع داده شده است.^۱

۱.۴. مضمون فراگیر اول: مشارکت زنان در ذیل قوانین و سیاست‌های همه‌شمول

۱. لازم به توضیح است که مصادیق و ارجاعات ارائه شده با توجه به گستردگی پژوهش و بررسی تعداد ۲۵ متن و سند بالادستی بسیار زیاد است که با توجه به محدودیت‌های حجم مقاله از ارائه بسیاری از آنها صرف نظر شده است.

مضمون فراگیر «مشارکت زنان در ذیل قوانین و سیاست‌های همه‌شمول» خود شامل دو مضمون سازمان‌دهنده «تأمین حقوق انسانی» و «گسترش عدالت اجتماعی» است. این مضمون از میان متون و اسناد بالادستی استخراج شده؛ با این توضیح که فارغ از جنسیت و بدون در نظر گرفتن ملاحظات و تفاوت‌های جنسیتی با هدف تأمین حقوق انسانی همه‌آحاد جامعه و گسترش عدالت اجتماعی، قوانین و سیاست‌هایی را که شامل همه افراد می‌شود، مدنظر قرار داده است که به طور بدیهی شامل زنان نیز می‌شود. در این مضمون اهداف و راهبردها و سیاست‌هایی گنجانده شده که به نحوی حق اشتغال زنان و به خصوص برابری زنان و مردان در حق اشتغال را مورد اشاره قرار داده‌اند. در واقع سیاست‌های کلی و عامی که شامل رفع تبعیض و نابرابری‌های جنسیتی موجود و برعلیه زنان، در حوزه اقتصاد و اشتغال هم می‌شود، هر چند که این شائبه وجود دارد که با توجه به عدم ذکر جنسیت فقط مردان در نظر گرفته شده‌اند؛ ولی با این حال این متون و اسناد مبین حق مشارکت زنان هستند.

۱.۱.۴. مضمون سازمان‌دهنده: تأمین حقوق انسانی

این دسته از متون و اسناد بالادستی با تأکید بر لزوم تأمین حقوق انسانی، حقوق زنان از جمله حق مشارکت اقتصادی را دربرمی‌گیرند، که خود در دو مضمون پایه «تأمین شرایط و زمینه‌های مشارکت همگانی» و «ایجاد فرصت‌های برابر»، قابل مقوله‌بندی است.

۱.۱.۴.۱. مضمون پایه: تأمین شرایط و زمینه‌های مشارکت همگانی

تحلیل مضمون اسناد بالادستی نشان داد که در بسیاری از قوانین به‌ویژه در قانون اساسی، لزوم تأمین شرایط و زمینه‌های مشارکت همگانی به صراحت مورد توجه قرار گرفته است.

اصل ۳، بند ۸ قانون اساسی: «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش».

در این بند واژه «عامه مردم» و هم «تعیین سرنوشت اقتصادی» بیانگر حق اشتغال و فعالیت اقتصادی زنان و برابری‌شان با مردان است.

و یا

اصل سوم، بند ۱۴ قانون اساسی: «تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون».

۲.۱.۱.۴. مضمون پایه: ایجاد فرصت‌های برابر

«ایجاد فرصت‌های برابر» دومین مضمون پایه استخراج شده از فرایند تحلیل مضمون متون و اسناد بالادستی است که در ذیل مضمون سازمان‌دهنده «تأمین حقوق انسانی» در حقیقت به نوعی مبین توجه به مسئله مشارکت زنان است.

اصل ۲۸ قانون اساسی: «هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید».

و یا بند ۳ سند چشم‌انداز توسعه: «تبدیل ایران به کشوری با فرصت‌های برابر»

۲.۱.۴. مضمون سازمان‌دهنده: گسترش عدالت اجتماعی

«گسترش عدالت اجتماعی» دومین مضمون سازمان‌دهنده است که خود دربردارنده دو مضمون پایه «برخورداری برابر» و «رفع تبعیض‌ها» است.

۱.۲.۱.۴. مضمون پایه: برخورداری برابر

تحلیل مضمون متون و اسناد بالادستی نشان می‌دهد، بسیاری از این متون بر حق برخورداری برابر آحاد مردم اشاره دارد. به‌عنوان مثال اصل بیستم قانون اساسی می‌گوید:

«همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند».

و یا بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌گوید:

«تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند؛ ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد».

۲. ۲. ۱. ۴. مضمون پایه: رفع تبعیض‌ها

مضمون پایه «رفع تبعیض‌ها» به قوانین و سیاست‌هایی اشاره دارد که بر اهمیت رفع تبعیض در جامعه به‌عنوان زمینه‌ساز گسترش عدالت اجتماعی تأکید دارد. اصل ۳، بند ۹ قانون اساسی: «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی».

و یا ماده ۳۸ قانون کار می‌گوید:

«برای انجام کار مساوی که در شرایط مساوی در یک کارگاه انجام می‌گیرد، باید به زن و مرد مزد مساوی پرداخت شود. تبعیض در تعیین میزان مزد باسناد سن، جنس، نژاد و قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی ممنوع است».

رفع تبعیض و برخورداری از موقعیت و امکانات ضرورت بهره‌مندشدن زنان از حق اشتغال‌شان است، ضمن اینکه این قانون به رفع انواع تبعیض‌ها اشاره دارد.

۲. ۴. مضمون فراگیر دوم: مشارکت زنان در قوانین و سیاست‌های مختص به آنها

مضمون فراگیر دوم به قوانین و سیاست‌هایی اشاره دارد که به طور خاص به مشارکت زنان اختصاص یافته است. این مضمون شامل سه مضمون سازمان‌دهنده «فراهم نمودن امکان مشارکت اقتصادی زنان»، «حمایت از تداوم مشارکت و تقویت جایگاه زنان» و «رفع موانع مشارکت زنان» است.

۱. ۲. ۴. مضمون سازمان‌دهنده: فراهم نمودن امکان مشارکت اقتصادی زنان

این مضمون شامل سه مضمون پایه «توانمندسازی»، «اشتغال‌زایی» و «حمایت از مشاغل خانگی / اشتغال‌زایی غیردولتی» است. تحلیل مضمون متون و اسناد بالادستی نشان می‌دهد، سیاست‌گذاران و قانونگذاران تلاش داشته‌اند تا از طریق توانمندسازی، اشتغال‌زایی و حمایت از مشاغل خانگی و غیردولتی، زمینه و امکان مشارکت اقتصادی زنان در جامعه را فراهم نمایند. در سیاست‌ها و قوانین مورد تحلیل، مفاهیم «ارتقای مهارت‌های شغلی زنان، تقویت مهارت‌های زنان، افزایش کارایی زنان، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای زنان، کمک به ارتقای شغلی زنان، توانمندسازی زنان، آموزش و حمایت اجتماعی، ارزش‌گذاری کار خانگی، صرفه‌جویی و مشارکت در اقتصاد، تقویت جایگاه زن در اقتصاد خانواده» در ارتباط با این مضمون استخراج شده است.

۱. ۱. ۲. ۴. مضمون پایه: توانمندسازی زنان

برای مشارکت زنان در اقتصاد، توانمندسازی و آموزش و ارتقاء و تقویت مهارت‌هایشان جزء مقدمات ضروری است. در ذیل مضمون پایه «توانمندسازی»، سیاست‌هایی که توانمندسازی را به صورت کلی مورد توجه قرار داده‌اند، آورده شده و سپس در زیر مقولات، سیاست‌هایی که به طور خاص مهارت و حرفه و فن را مدنظر قرار داده‌اند، آورده شده است. از آن جمله می‌توان به بند «ج» ماده ۱۰۱ برنامه چهارم توسعه «گسترش حمایت‌های اجتماعی و برابری فرصت‌ها برای زنان و مردان و توانمندسازی زنان از طریق دستیابی به فرصت‌های شغلی مناسب»، اشاره نمود.

و یا احکام برنامه ششم، بخش «بیمه اجتماعی، امور حمایتی و آسیب‌های اجتماعی» و بند «ت» ماده ۸۰ بر؛ «تهیه و اجرای کامل طرح جامع توانمندسازی زنان سرپرست خانوار طبق قوانین و مصوبات شورای اجتماعی تا پایان اجرای قانون برنامه توسط ریاست جمهوری (معاونت امور زنان) با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سایر نهادهای ذی‌ربط و تأیید برنامه مذکور در هیئت وزیران و تصویب در مجلس شورای اسلامی و نظارت بر اجرایی شدن آن»، اشاره دارد.

تحلیل متون و اسناد بالادستی نشان می‌دهد، تأکید بر توانمندسازی زنان بیشتر در برنامه‌های پنج ساله چهارم و ششم مورد توجه قرار گرفته و در سایر متون و اسناد بالادستی کمتر به آن پرداخته شده و از آنها به نوعی استنباط بر امر توانمندسازی می‌شود؛ به‌عنوان نمونه در منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران، بند ۱۰۲ بر «حق بهره‌مندی زنان از اطلاعات، آموزش‌ها و کسب مهارت‌ها و امکانات کار جهت اشتغال مناسب و حق برخورداری از حمایت در این امور برای زنان خود سرپرست و سرپرست خانواده» تأکید شده که به نظر می‌رسد، توجه به این حقوق از جهت فراهم نمودن زمینه توانمندسازی زنان است.

۲.۱.۲.۴. مضمون پایه: اشتغال‌زایی زنان

تحلیل مضمون اسناد و متون بالادستی نشان می‌دهد، در برخی از این متون، مسئله اشتغال‌زایی زنان به‌طور مستقیم مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۱۱۱ برنامه چهارم توسعه می‌گوید: «دولت موظف است با هدف تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آن‌ها در کشور، اقدامات ذیل را صورت دهد:

الف) تدوین، تصویب و اجرای برنامه جامع توسعه مشارکت زنان مشتمل بر بازنگری قوانین و مقررات، به‌ویژه قانون مدنی، تقویت مهارت‌های زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری، شناسایی و افزایش ساختارهای سرمایه‌گذاری در فرصت‌های اشتغال‌زا، توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار، ارتقای کیفیت زندگی زنان و نیز افزایش باورهای عمومی درباره شایستگی آنان». و یا در سند برنامه ششم توسعه در بخش امور فرهنگی، علمی و فناوری زنان و خانواده، و در بند «د» برنامه راهبردی، اهداف کلی و راهبردها بر «افزایش فرصت‌های شغلی زنان در بازار کار» تأکید شده که راهبرد دستیابی به این هدف کلی را از طریق «توسعه و گسترش زمینه‌های کارآفرینی و اشتغال برای زنان و دختران با اولویت زنان سرپرست خانوار و دختران فارغ‌التحصیل دانشگاهی» بر شمرده است.

نکته جالب توجه آن که موضوع اشتغال‌زایی زنان نیز نظیر برنامه توانمندسازی در دو برنامه چهارم و ششم توسعه بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

۴.۲.۱.۳. مضمون پایه: حمایت از مشاغل خانگی / اشتغال‌زایی غیردولتی

«حمایت از مشاغل خانگی و اشتغال‌زایی غیردولتی» مضمون پایه سومی است که در زیر مضمون سازمان‌دهنده «فراهم نمودن امکان مشارکت اقتصادی زنان» به دست آمده و بر ایجاد، توسعه، گسترش، تسهیل مشاغل خانگی و غیردولتی و تعاونی‌ها و بنگاه‌های کوچک تأکید دارد که به نوعی زمینه افزایش مشارکت زنان در اقتصاد را به دنبال خواهد داشت. در برنامه پنجم توسعه، ماده ۸۰ اشاره شده: «دولت اجازه دارد تا با انجام اقداماتی از جمله ایجاد و توسعه مشاغل خانگی و بنگاه‌های زودبازده به افزایش اشتغال کمک نماید».

و یا در ماده ۲۳۰ همین برنامه پنجم توسعه، تأکید شده: «دولت با همکاری سازمان‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله مرکز امور زنان و خانواده با هدف تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در عرصه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه زمینه‌ها با تدوین و تصویب «برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» مشتمل بر محورهای تحکیم بنیان خانواده، بازنگری قوانین و مقررات مربوطه، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، توسعه و ساماندهی امور اقتصادی-معیشتی با اولویت ساماندهی مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست، تأمین اجتماعی، اوقات فراغت، پژوهش، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ارتقای سلامت، توسعه توانایی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، ارتقای توانمندی‌های زنان مدیر و نخبه، توسعه تعاملات بین‌المللی، تعمیق باورهای دینی و اصلاح ساختار اداری تشکیلاتی زنان و خانواده اقدام قانونی نماید».

همچنین در سیاست‌های پیشگیری و بازتوانی زنان از آسیب‌های اجتماعی (مصوب، ۱۳۸۲/۲/۲۰)، بخش «اقتصاد» بر «تأسیس و راه‌اندازی کارگاه‌ها و صنایع کوچک به منظور افزایش فرصت‌های

اشتغال و انجام تمهیدات لازم و جلوگیری از بروز فساد اخلاقی در مراکز خصوصی اشتغال؛ اعطای تسهیلات لازم جهت خود اشتغالی متقاضیان و فراهم نمودن بستر مناسب کار، تأکید شده است. باین حال به نظر می‌رسد، اگرچه تأکید بر اشتغال‌زایی غیردولتی و حمایت از این دست مشاغل در متون و اسناد بالادستی به کرات مورد اشاره قرار گرفته، باین حال در بسیاری مواقع به طور عام و بدون در نظر گرفتن حمایت از مشارکت زنان و یا در بهترین حالت زنان روستایی و سرپرست خانوار را مورد توجه ویژه قرار داده است.

۲. ۲. ۴. مضمون سازمان‌دهنده: حمایت از تداوم مشارکت و تقویت جایگاه زنان

این مضمون سازمان‌دهنده شامل دو مضمون پایه «حفظ ارزش‌ها و منزلت زن و توجه به نقش‌های زنانه» و «تسهیلات ادغام کار و زندگی خانوادگی» و همچنین به مفاهیمی نظیر «اهمیت خانواده و مادری، به کارگیری زنان متخصص و استفاده از دانش زنان، تحکیم خانواده، اصلاح الگوی مشارکت، رعایت تناسب، حمایت از مادران شاغل (تقلیل ساعت، مرخصی زایمان و بارداری)، تقلیل سنوات خدمت برای بازنشستگی، ادغام کار و زندگی خانوادگی، حمایت از مادری و همسری در عین حفظ شغل و جایگاه شغلی، توجه به برابری حقوق و مزایای زن و مرد و حق مشاوره شغلی» اشاره شده است.

۱. ۲. ۲. ۴. مضمون پایه: حفظ ارزش‌ها و منزلت زن و توجه به نقش‌های زنانه

حفظ ارزش و منزلت زن و توجه به ویژگی‌ها و نقش‌های زنانه از جمله مفاهیم و مضامینی است که در اسناد بالادستی بدان توجه شده و مشارکت زنان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی در ذیل مدنظر قرار دادن این امر، تسریع و پذیرفته شده است. اصل ۲۱ قانون اساسی می‌گوید؛

«دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد: ۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.»

و یا در برنامه سوم توسعه، ماده ۲۵ این موضوع تأکید شده «تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان».

لازم به توضیح است که در برنامه سوم بخصوص در سیاست‌های آموزش و اشتغال، تقریباً هیچ گونه تمایز قابل توجهی میان دو جنس ملاحظه نمی‌شود. بند ۲۵ نشان می‌دهد که این برنامه علاوه بر نگاه حمایتی، تا حدی به نقش‌آفرینی زنان در فرایند توسعه توجه کرده است و از طریق گشودن موانع قانونی و ساختاری در پی افزایش سهم زنان در توسعه‌یافتگی کشور و کارایی آنان برای رشد کشور و توجه به اهمیت حضور زنان در امر مشارکت در جامعه است، هر چند به تقویت نهاد خانواده و اهمیت جایگاه زن در آن نیز توجه داشته است.

علاوه بر این، تحلیل مضمون متون و اسناد بالادستی نشان داد، در برخی از این قوانین با توجه به ملاحظات جنسیتی و تأکید بر نقش‌های زنانه و متناسب‌سازی جنسیتی مشاغل، حفظ منزلت زن و جایگاه وی در موضوع مشارکت اقتصادی، در نظر گرفته شده است. به عنوان نمونه در سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران، ماده ۷ گفته شده: «باتوجه به اینکه نیروهای متخصص و تحصیل کرده در هر جامعه‌ای ارزشمندترین سرمایه‌های آن به شمار می‌آید و برای آموزش و تربیت علمی آنان سرمایه‌گذاری هنگفت صورت گرفته است باید:

اولاً: انتخاب صحیح و تحصیل در رشته‌های متناسب با اشتغال بانوان هرچه کامل‌تر امکان‌پذیر شود.

ثانیاً: تسهیلات لازم برای استفاده از توانایی‌های زنان کارشناس، متخصص و تحصیل کرده فراهم آید؛ به گونه‌ای که اهتمام آنان به ایفای نقش خود در خانواده و شرایط زندگی، منجر به کناره‌گیری از فعالیت اجتماعی نشود».

و یا سیاست‌های ارتقاء مشارکت زنان در آموزش عالی (مصوب ۱۳۸۴/۷/۲۶)، در فصل هفتم، بخش سیاست‌های مربوط به اشتغال زنان فارغ التحصیل، بر «اتخاذ تدابیر لازم جهت هدایت تحصیلی دختران در انتخاب رشته‌های تحصیلی، متناسب با مسئولیت‌های خانوادگی و آینده شغلی آنان»، تأکید دارد.

۲. ۲. ۲. ۴. مضمون پایه: تسهیلات ادغام کار و زندگی خانوادگی

تحلیل مضمون داده‌ها نشان می‌دهد، تسهیلگری برای مادران و همسران شاغل و حمایت از مادران و ارائه تسهیلات لازم به زنان جهت ایفای نقش‌های خانوادگی آنان، در متون و اسناد بالادستی مورد توجه قرار گرفته و به نظر می‌رسد این موضوع، به منظور جلوگیری از تعارض فعالیت‌های اجتماعی و اشتغال زنان با نقش‌های خانوادگی آنان است. در ماده ۱۲ سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران بر، «فرصت‌های شغلی مناسب برای مادران خانه‌دار در محیط خانه و در کنار فرزندان، بدون محدودیت وقت و با منظور کردن مزد در قبال کار و تسهیلات تعاونی...»، تأکید شده است.

همچنین در فصل سوم قانون اساسی، اصل ۲۱ تأکید شده؛ «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد: ۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او. ۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست...»

همچنین در ماده ۱۰ سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران تصریح شده؛ «با توجه به اهمیتی که نظام جمهوری اسلامی ایران به استحکام بنیان خانواده و نقش تربیتی و سازنده زنان در خانه قائل است، مقررات و تسهیلات لازم، به تناسب "شغل مادرانه" در نظر گرفته شود، از قبیل استفاده از مرخصی باحقوق تقلیل ساعت کار، مزایای بازنشستگی با سنوات کمتر

خدمت، امنیت شغلی، برخورداری از تأمین اجتماعی در مواقع بیکاری، بیماری، پیری یا ناتوانی از کار».

علاوه بر این، با توجه به اهمیت تسهیلگری در امر ادغام کار و مسئولیت‌های خانوادگی، در متون و اسناد بالادستی به امر مرخصی زایمان، تقلیل ساعت کاری مادران، اشتغال به کار نیمه‌وقت و حمایت از آن، دورکاری در صورت امکان و مواردی نظیر این نیز در کنار توجه به مسئله مادری و حمایت از متناسب‌سازی مشاغل زنان در جهت انجام امور زنانه توجه داشته است. به‌عنوان نمونه بند الف ماده ۱۷ قانون بر حمایت از خانواده و جوانی جمعیت تأکید دارد؛

«مدت مرخصی زایمان با پرداخت تمام حقوق و فوق‌العاده‌های مرتبط به نه ماه تمام افزایش یابد. در صورت درخواست مادر تا دو ماه از این مرخصی در ماه‌های پایانی بارداری قابل استفاده است. مرخصی مذکور برای تولد دو قلو و بیشتر، دوازده ماه می‌باشد. در مواردی که مرخصی زایمان موجب اختلال در کار بخش خصوصی گردد، پس از تأیید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی هزینه تحمیل شده توسط دولت جبران خواهد شد».

۳. ۲. ۴. مضمون سازمان‌دهنده: رفع موانع مشارکت زنان در اقتصاد

دو مضمون پایه «بسترسازی فرهنگی، اجتماعی، آموزشی» و «تأمین امنیت اجتماعی اقتصادی زنان»، مفاهیمی است که به نوعی دربردارنده توجه قانون‌گذار به رفع موانع مشارکت زنان در اقتصاد است.

۱. ۳. ۲. ۴. مضمون پایه: بسترسازی فرهنگی، اجتماعی، آموزشی

تحلیل مضمون متون و اسناد بالادستی نشان داد، در این قوانین نسبت به اهمیت بسترسازی فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، جهت رفع موانع مشارکت اقتصادی زنان توجه شده و قوانین و سیاست‌هایی در این زمینه تدوین شده است. در این بین مفاهیمی نظیر تغییر نگرش به زن، افزایش

آگاهی عمومی، توجه به منزلت و کرامت زن، فراهم نمودن زمینه آموزش و تعلیم و تربیت زنان و حمایت از زنان به‌ویژه زنان آسیب‌دیده اجتماعی در این متون تصریح شده است.

در بند الف ماده ۱۱۱ برنامه چهارم توسعه دولت موظف شده که «با هدف تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آن‌ها در کشور، اقدامات ذیل را صورت دهد: تدوین، تصویب و اجرای برنامه جامع توسعه مشارکت زنان مشتمل بر بازنگری قوانین و مقررات، به‌ویژه قانون مدنی، تقویت مهارت‌های زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری، شناسایی و افزایش ساختارهای سرمایه‌گذاری در فرصت‌های اشتغال‌زا، توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار، ارتقای کیفیت زندگی زنان و نیز افزایش باورهای عمومی درباره شایستگی آنان».

همچنین در سند برنامه ششم توسعه، در بند «د» برنامه راهبردی، اهداف کلی و راهبردها در بخشی امور فرهنگی، علمی و فناوری زنان و خانواده؛ بر «۱- ارتقاء آگاهی‌های عمومی افراد جامعه و ۲- ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی نسبت به ضرورت تحصیل دختران و زنان» تأکید شده است. علاوه بر این ماده ۳، سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران، نیز «همکاری و تعاون اعضای خانواده بایکدیگر برای اداره مطلوب امور خانه و به منظور ایفای هرچه بهتر مسئولیت‌های اجتماعی» را ضروری دانسته است.

۲.۳.۲.۴. مضمون پایه: تأمین امنیت اجتماعی اقتصادی زنان

تحلیل مضمون متون و اسناد بالادستی نشان می‌دهد، قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران به اهمیت لزوم تأمین امنیت اجتماعی اقتصادی زنان در سطوح قانون‌گذاری توجه داشته‌اند که می‌توان این موضوع را در متونی که به مباحثی نظیر رفع خشونت علیه زنان، مناسب‌سازی محیط کاری، حفظ سلامت اخلاقی محیط کار، تأمین سلامت جسمی زنان، رفع موانع حقوقی و قانونی اشتغال زنان و... مشاهده نمود. باین حال برخی قوانین به نظر می‌رسد بیشتر بر راهکارهای فردی از سوی زنان تأکید

دارد. رفع خشونت علیه زنان یکی از موضوعات تصریح شده در متون و اسناد بالادستی است. در بند «د» ماده ۴ لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت، در رابطه با خشونت اقتصادی گفته شده:

«خشونت اقتصادی؛ عبارت است از ایجاد هرگونه محرومیت یا محدودیت کلی یا جزئی در برخورداری از حقوق مالی یا کسب درآمد و اشتغال قانونی یا ایجاد مانع در تصرفات مالی قانونی».

ماده ۱۹ لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت نیز تصریح کرده؛ «هرگونه خشونت اقتصادی نسبت به زنان جرم محسوب و مرتکب ضمن الزام به رفع موانع یا محدودیت‌ها و اعاده اموال و منافع به حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌شود».

علاوه بر این، سالم‌سازی محیط کار نیز از جمله مباحثی است که در ذیل مضمون پایه تأمین امنیت اجتماعی اقتصادی زنان، قابل تحلیل و تفسیر بوده و مورد توجه قانون‌گذار نیز قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه در بند ۱۰۵ فصل سوم حقوق و مسئولیت‌های اقتصادی زنان در منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران؛ «حق بهره‌مندی از امنیت شغلی، اخلاقی و ایمنی و مسئولیت رعایت عفاف در محیط کار» مورد اشاره قرار گرفته است.

همچنین تحلیل مضمون متون و اسناد بالادستی نشان می‌دهد، سلامت فیزیکی و جسمانی زنان در امر مشارکت اقتصادی و اشتغال، نیز در این متون مورد توجه قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه در ماده ۷۵ قانون کار (مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹) تصریح شده:

«انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان‌آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگران زن ممنوع است».

و یا در بند ۱۶ سیاست‌ها و راهبردهای ارتقای سلامت زنان، بر «بهبود وضعیت سلامت محیط کار و تأثیر آن بر سلامت زنان شاغل به‌ویژه در دوران بارداری و شیردهی توسط وزارت کار و وزارت رفاه و تأمین اجتماعی»، تأکید شده است.

در جدول زیر به طور مختصر توزیع و توصیف مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه ترسیم شده

است:

جدول ۱- توزیع مفاهیم اولیه و مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کدهای اولیه (مفاهیم استخراج شده از متون و اسناد بالادستی)
مشارکت زنان در ذیل قوانین و سیاست‌های همه‌شمول	تأمین حقوق انسانی	تأمین شرایط و زمینه‌های مشارکت همگانی	مشارکت عامه مردم، تدمین شرایط و امکانات کار برای همه، تأمین حقوق همه‌جانبه افراد، رعایت موازین اسلامی پذیرفتن حق مالکیت فردی، تبدیل ایران به کشوری با فرصت‌های برابر، بهره‌گیری از توان نیروی انسانی، توجه به آموزش همگانی، رفع محرومیت
		ایجاد فرصت‌های برابر	
	گسترش عدالت اجتماعی	برخورداری برابر	رفع تبعیضات ناروا، ایجاد امکانات عادلانه برای همه، آزادی انتخاب شغل، عدم بهره‌کشی، عدم اجبار، ارتقای کیفیت منابع انسانی، بهره‌برداری از سرمایه انسانی، دستمزد و مزایای برابر
		رفع تبعیض	
مشارکت زنان اقتصادی	فراهم نمودن امکان مشارکت	توانمندسازی	ارتقای مهارت‌های شغلی زنان، تقویت مهارت‌های زنان، افزایش کارایی زنان، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای زنان، کمک به ارتقای شغلی زنان
		اشتغال‌زایی	
		حمایت از مشاغل خانگی/اشتغال‌زایی غیردولتی	توانمندسازی زنان، آموزش و حمایت اجتماعی، ارزش‌گذاری کارخانگی، صرفه‌جویی و مشارکت در اقتصاد، تقویت جایگاه زن در اقتصاد خانواده
مشارکت زنان در قوانین و	حمایت از تداوم مشارکت و	حفظ ارزش‌ها و منزلت زن و توجه به نقش‌های زنانه	اهمیت خانواده و مادری، به کارگیری زنان متخصص و استفاده از دانش زنان، تحکیم خانواده، اصلاح الگوی مشارکت، رعایت تناسب

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کدهای اولیه (مفاهیم استخراج شده از متون و اسناد بالادستی)
سیاست‌های مختص به آنها	تقویت جایگاه زنان	تسهیلات ادغام کار و زندگی خانوادگی	حمایت از مادران شاغل (تقلیل ساعت، مرخصی زایمان و بارداری)، تقلیل سنوات خدمت برای بازنشستگی، ادغام کار و زندگی خانوادگی، حمایت از مادری و همسری در عین حفظ شغل و جایگاه شغلی، توجه به برابری حقوق و مزایای زن و مرد، حق مشاوره شغلی، ساده زیستی، پرهیز از مصرف زدگی و مصرف گرایی، حفظ عفاف و حجاب، استیفای حقوق شرعی
رفع موانع مشارکت زنان	بسترسازی فرهنگی، اجتماعی، آموزشی	تأمین امنیت اجتماعی اقتصادی زنان	تغییر نگرش به جایگاه زن، افزایش باور عمومی/اصلاح باورهای فرهنگی بالابردن سطح آگاهی‌ها و مهارت‌ها، حمایت از مشاغل خانگی و اشتغال غیردولتی، حفظ کرامت و منزلت زن، حمایت از زنان آسیب‌دیده اجتماعی و پیشگیری از آسیب (توجه به زنان خودسرپرست)، توجه به اقتصاد خانواده با محوریت زنان، فرهنگ‌سازی، افزایش مشارکت زنان با لحاظ کردن متناسب سازی و رعایت جوانب، سلامت اخلاقی محیط کار- رفع خشونت علیه زنان، رعایت حجاب و عفت عمومی و پرهیز از اختلاط نامناسب زن و مرد، تأمین سلامت جسمانی زنان و متناسب‌سازی مشاغل، به تفاوت‌های جنسیتی در شغل، رفع موانع حقوقی و بازنگری در قانون

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شده تا با استفاده از روش تحلیل مضمون و تحلیل متون و اسناد بالادستی موجود، موضوع مشارکت اقتصادی زنان به لحاظ موضوعیت در قانون و اسناد مرتبط با سیاست‌گذاری مورد بررسی قرار گرفته و این مسئله مطالعه شود که تا چه اندازه در قوانین و

سیاست‌های اتخاذ شده در جامعه به مسئله مشارکت اقتصادی زنان توجه شده و جایگاه آنان در چه سطحی است؟ آیا قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران جامعه ایرانی مسئله مشارکت اقتصادی زنان را با توجه به اسنادی که موجود است، حائز اهمیت تلقی کرده و چه توجهی به آن نشان داده‌اند. با این حال با توجه به کیفی بودن این پژوهش، قصد تعمیم یافته‌ها وجود ندارد.

در مجموع یافته‌های این تحقیق در دو مضمون فراگیر مقوله‌بندی شده‌است، که عبارتند از: «مشارکت زنان در ذیل قوانین و سیاست‌های همه‌شمول» و «مشارکت زنان در قوانین و سیاست‌های مختص به آنها». این دو مضمون از آنجا حائز اهمیت است که در بسیاری از قوانین و سیاست‌های تدوین شده، می‌توان موضوع مشارکت زنان را در ذیل این دو طبقه تفسیر و تبیین نمود. بنا بر نتایج تحلیل داده‌ها، در بسیاری از قوانین و اسناد بالادستی بر «تأمین حقوق انسانی» و «گسترش عدالت اجتماعی» فارغ از جنسیت و یا سایر ویژگی‌های فردی و قومی و سنی که حاوی تبعیض می‌باشد، تأکید شده است. هرچند که ممکن است این شائبه وجود داشته باشد که با حذف متغیر جنسیت، قانون‌گذار به صورت پیش‌فرض مردان را مدنظر قرار داده است که با توجه به عام بودن قانون و اهمیت مباحث مطرح شده این شائبه کاهش می‌یابد. بنابراین، با تأکید قانون‌گذار به تأمین حقوق انسانی افراد، رفع تبعیض‌های ناروا، امکان مشارکت عامه مردم و بهره‌گیری از توان نیروی انسانی، می‌توان چنین استدلال نمود که زنان نیز همچون مردان، حق مشارکت در اقتصاد و همچنین در سایر عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی را دارند.

علاوه بر این، یافته‌های این پژوهش نشان داد، در ذیل قوانین و متونی که بر حق اشتغال و مسئله برابری فرصت‌ها و توزیع برابری و حق برخورداری برابر و همچنین رفع تبعیض‌ها اشاره دارد، مسئله شکاف دستمزد به‌عنوان امری که می‌تواند مانع تحقق این امر شود، می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. اگرچه نتایج این تحقیق نشان داد، در متون و اسناد بالادستی تحلیل شده، بر مسئله برابری و رفع تبعیض‌ها تأکید شده، با این حال نتایج تحقیق زبیدی و همکاران (۱۴۰۰)، نشان می‌دهد، همچنان

شکاف میان دستمزد و حقوق زنان و مردان وجود داشته و میزان آن تقریباً ۱۸ درصد است. از این رو این موضوع که به طور مشخص در متون و اسناد بالادستی تصریح شده، همچنان مورد توجه قرار نگرفته و به نوعی می‌توان گفت اجرایی نمی‌شود. رشی و سودها (۲۰۲۳) نیز در پژوهش خود به موضوع شکاف جنسیتی دستمزد توجه داشته‌اند. آنها به این نتیجه دست‌یافته‌اند که شکاف میان دستمزد، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر توانمندسازی زنان و میزان مشارکت اقتصادی آنها دارد و معتقدند برای کاهش این اثر، نیاز به سیاست‌گذاری و ایجاد تغییرات فرهنگی است. نتایج تحقیق زاهد و همکاران (۱۳۹۹) نیز به تبعیض جنسیتی به‌عنوان یکی از موانع مشارکت اقتصادی زنان اشاره نموده و در پژوهش انگرینی و همکاران (۲۰۲۲) نیز به اتخاذ تدابیر مبتنی بر برابری جنسیتی و سیاست‌های مناسب‌سازی زمینه‌های اشتغال با هدف افزایش مشارکت اقتصادی زنان تأکید شده است.

در ذیل مضمون فراگیر «مشارکت زنان در قوانین و سیاست‌های مختص به آنها»، سه مضمون سازمان‌دهنده «فراهم نمودن امکان مشارکت اقتصادی زنان»، «حمایت از تداوم مشارکت و تقویت جایگاه آنها» و «رفع موانع مشارکت زنان» مقوله‌بندی شده است. «توانمندسازی، اشتغال‌زایی و حمایت از مشاغل خانگی و اشتغال غیردولتی»، در تحلیل‌ها سه مضمونی است که نحوه حمایت قانونگذار از مشارکت زنان در اقتصاد را نشان می‌دهد. ارتقاء و تقویت مهارت‌های زنان، افزایش کارایی زنان، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای زنان، کمک به ارتقای شغلی زنان، توانمندسازی زنان، آموزش و حمایت اجتماعی، ارزش‌گذاری کار خانگی، صرفه‌جویی و مشارکت در اقتصاد، تقویت جایگاه زن در اقتصاد خانواده، از جمله اقداماتی است که در جهت تحقق مشارکت زنان و توانمندسازی و اشتغال‌زایی آنها در متون بالادستی مورد توجه قرار گرفته است. در سال‌های اخیر مسئله توانمندسازی زنان مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران و محققین علوم اجتماعی قرار گرفته و با توجه به اهمیتی که دارد، در ادبیات نظری و تجربی این پژوهش نیز بدان‌ها اشاره شد. سودها و رشی (۲۰۲۳) در پژوهش خود به موضوع توانمندسازی زنان توجه داشته و آن را برای دست‌یافتن

به اقتصادی قوی لازم دانسته‌اند. همچنین انگرینی و همکاران (۲۰۲۲) نیز با توجه به امر آموزش و اثر آن بر توانمندسازی زنان، بر بهبود کیفیت منابع انسانی از طریق آموزش، ارتقاء سلامت و افزایش نرخ مشارکت تأکید نموده و آنها را عاملی مهم در پیشبرد رشد کلی اقتصاد معرفی کرده‌اند. علاوه بر این، با توجه به تأکیدی که در متون و اسناد بالادستی بر اشتغال‌زایی و متناسب‌سازی آن برای زنان دارد، می‌توان گفت یافته‌های این تحقیق هم‌سو با نتایج پژوهش تاج‌مزی‌نایی و یاسری (۱۳۹۲) است و با یافته‌های پژوهش رجائیان و باقرپور (۱۳۹۴) و تادیوس و همکاران (۲۰۲۲) نیز قرابت دارد.

باین حال نتایج تحقیقات سعیدی و باجلان (۱۴۰۱) که به بررسی و تحلیل چالش‌های طرح توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در برنامه‌های توسعه اختصاص دارد، نشان می‌دهد، با وجود توجه به توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه و تلاش در جهت تدوین طرح توانمندسازی آنان، همچنان طرح مذکور تدوین نشده و زنان سرپرست خانوار با مشکلات و چالش‌های عدیده‌ای مواجه هستند. نکته جالب توجه آنکه با وجود اینکه در متون و اسناد بالادستی به مسئله توانمندسازی زنان اشاره شده است، ولی در این قوانین نحوه تحقق این توانمندسازی و سازوکارهای اجرایی نهادها و سازمان‌های ذی‌صلاح و مسئول که بعداً نیز پاسخگوی میزان اجرایی شدن این اسناد باشند، شناسایی و معرفی نشده است. از سویی با توجه به مشخص نبودن متولی موضوع توانمندسازی زنان و همچنین مبهم بودن ابعاد توانمندسازی و عدم تعریف دقیق آن در کشور، در این زمینه نیز زنان با مسائل و چالش‌های عدیده‌ای مواجه هستیم.

همچنین تحلیل مضمون قوانین و سیاست‌ها نشان می‌دهد که اهمیت خانواده و نقش مادری، به کارگیری زنان متخصص و استفاده از دانش زنان، تحکیم خانواده، اصلاح الگوی مشارکت، رعایت تناسب، حمایت از مادران شاغل (تقلیل ساعت، مرخصی زایمان و بارداری)، تقلیل سنوات خدمت برای بازنشستگی، ادغام کار و زندگی خانوادگی، حمایت از مادری و همسری در عین حفظ شغل و جایگاه شغلی، توجه به برابری حقوق و مزایای زن و مرد، حق مشاوره شغلی، ساده‌زیستی، پرهیز از

مصرف‌زدگی و مصرف‌گرایی، حفظ عفاف و حجاب، استیفای حقوق شرعی، از جمله اقداماتی است که با هدف تداوم و حمایت از مشارکت زنان و تقویت جایگاه و منزلت اجتماعی آنها در اسناد بالادستی مورد تأکید قرار گرفته و در این پژوهش در ذیل مضمون سازمان‌دهنده «حمایت از تداوم مشارکت و تقویت جایگاه زنان» که خود در بردارنده دو مضمون پایه «حفظ ارزش‌ها و منزلت زن و توجه به نقش‌های زنانه» و «تسهیلات ادغام کار و زندگی خانوادگی» است، مقوله‌بندی شده است. در نهایت یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد، «رفع موانع مشارکت زنان»، امری است که مورد توجه قانون‌گذار بود و این مهم از نظر سیاست‌گذاران از طریق «بسترسازی فرهنگی، اجتماعی و آموزشی» و «تأمین امنیت اجتماعی - اقتصادی زنان» قابل تحقق است. از این رو در متون و اسناد بالادستی به مفاهیمی چون: «افزایش باور عمومی، اصلاح باورهای فرهنگی، بالابردن سطح آگاهی‌ها و مهارت‌ها، حمایت از مشاغل خانگی و اشتغال غیردولتی، حفظ کرامت و منزلت زن، حمایت از زنان آسیب‌دیده اجتماعی و پیشگیری از آسیب (توجه به زنان خودسرپرست)، توجه به اقتصاد خانواده با محوریت زنان، فرهنگ‌سازی، افزایش مشارکت زنان با لحاظ کردن متناسب‌سازی و رعایت جوانب، سلامت اخلاقی محیط کار، رفع خشونت علیه زنان، رعایت حجاب و عفت عمومی و پرهیز از اختلاط نامناسب زن و مرد، تأمین سلامت جسمانی زنان و متناسب‌سازی مشاغل، به تفاوت‌های جنسیتی در شغل، رفع موانع حقوقی و بازنگری در قانون»، به نوعی اشاره شده است. هرچند به نظر می‌رسد، در این بخش از قوانین و سیاست‌ها، قانون‌گذار بیشتر بر جنبه‌ها و راهکارهای فردی توجه داشته است.

نکته جالب توجه دیگری که توجه به آن ضروری است، مسئله آموزش زنان است که در برخی از متون مورد توجه قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق زعفرانچی (۱۴۰۰) و همچنین پژوهش‌های تطبیقی و مطالعات انجام شده بر روی سایر کشورها، نظیر تحقیق علیقلی (۱۳۹۵) و علمی و روستایی شامانی (۱۳۹۳) حاکی از رابطه مستقیم و معنادار تحصیلات و آموزش عالی بر مشارکت اقتصادی

زنان است، این در حالی است که در ایران با وجود تأکیدات قانونی در متون و اسناد بالادستی بر آموزش زنان و همچنین بررسی‌های داده‌های آماری که خبر از افزایش روزافزون حضور زنان در مقاطع تحصیلات تکمیلی می‌دهد، همچنان نرخ مشارکت اقتصادی زنان در سطوح پایینی قرار دارد. با این حال پیش‌بینی می‌شود با توجه به تغییر و تحولات اجتماعی، افزایش زنان تحصیل‌کرده دانشگاهی، گسترش مطالبات روزافزون زنان برای مشارکت در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی، در آینده‌ای نزدیک با تغییرات مثبتی در نرخ مشارکت زنان در اقتصاد مواجه باشیم، اگرچه تا حدود زیادی تحقق این موضوع با افزایش حمایت‌های قانونی و رفع موانع سازمانی بستگی دارد.

در مجموع یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، در تدوین قوانین و سیاست‌های خاص زنان تلاش شده تا ضمن ارائه قوانین و سیاست‌های الزامی، توصیه‌ای و یا حمایتی در خصوص مشارکت زنان و نحوه فعالیت آنها در عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی، نقش و جایگاه آنان در خانواده به‌عنوان همسر و مادر نیز مورد توجه قرار گرفته و در سیاست‌گذاری‌ها و قانون‌گذاری‌ها این موضوع لحاظ گردد. علاوه بر این، در نظر گرفتن ملاحظات جنسیتی در متون و اسناد بالادستی و توجه به تفاوت‌های جنسیتی به نوعی در دستیابی و تحقق عدالت جنسیتی تأثیرگذار است. این موضوع در بسیاری مواقع می‌تواند در حفظ سلامت جسمی و روانی زنان و همچنین ادغام بهتر کار و زندگی خانوادگی و امکان ادامه مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی نیز مؤثر واقع شده و بسترهای فرهنگی و اجتماعی لازم برای افزایش سطح مشارکت زنان را فراهم نماید. هرچند لازم است با توجه به جایگاه زن در خانواده و توجه قانون‌گذار به این موضوع، به منظور افزایش ضمانت اجرایی؛ قوانین و سیاست‌هایی نیز در حمایت از کارفرمایان و افرادی که در اجرای هرچه دقیق‌تر این قوانین و حمایت از مشارکت اقتصادی زنان، اثرگذار هستند، تدوین و اجرا شود.

۶. پیشنهادهای پژوهش

با توجه به نتایج تحقیق و یافته‌های به دست آمده می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه نمود:

۱) یکی از نکات به دست آمده در این پژوهش آن است که در متون و اسناد بالادستی، بر مسئله مشارکت زنان در اقتصاد تأکید شده؛ ولی این تأکید بیشتر بر موضوع اشتغال زنان و حضور آنان در بازار کار رسمی است، از این رو پیشنهاد می‌شود تا ابعاد دیگر مشارکت زنان نظیر کارآفرینی، اشتغال خانگی، سرمایه‌گذاری و مواردی نظیر این نیز در سیاست‌گذاری‌ها و قوانین مدنظر قرار گیرد.

۲) یافته‌های این پژوهش نشان داد، مسئله مشارکت اقتصادی زنان مورد توجه قانون‌گذار بوده و در متون و اسناد بالادستی و برنامه‌های توسعه به اشکال گوناگون مورد توجه قرار گرفته است، با این حال نرخ پایین مشارکت زنان در جامعه و وجود شکاف جنسیتی در این زمینه نشان می‌دهد، برخی از این قوانین ممکن است در مرحله اجرا، اجرایی نشده و یا به خوبی پیاده‌سازی نشوند، لذا لازم است تا ضمن انجام پژوهشی در رابطه با بررسی ابعاد اجرایی شدن قوانین و اسناد بالادستی مربوط به مشارکت اقتصادی زنان، ضمانت‌های اجرایی این متون و اسناد نیز مورد بررسی قرار گیرد.

۳) یافته‌های این پژوهش نشان داد، با وجود اینکه در متون و اسناد بالادستی به مسئله مشارکت اقتصادی زنان توجه شده و همچنین به لحاظ سطح تحصیلات و آموزش نیز زنان در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته‌اند، با این حال این قشر از زنان، به لحاظ مشارکت اقتصادی، در وضعیت چندان مطلوبی قرار ندارند. از این رو پیشنهاد می‌شود، طرحی کلان و ملی با هدف بررسی و شناسایی راهکارهای افزایش مشارکت اقتصادی زنان طراحی و تدوین شده و علاوه بر این، چرایی و چگونگی ارتباط افزایش تعداد تحصیل‌کرده‌های زن با میزان مشارکت اقتصادی زنان نیز مورد بررسی قرار گیرد.

۴) توجه به بازنگری و اصلاح قوانین و به‌روزرسانی آنها با توجه به شرایط روز جامعه و با هدف ادغام کار و مسئولیت‌های زنانه، از طریق شناسایی و بررسی مطالبات و خواسته‌های زنان.

کتابنامه

۱. ازغیر، ن؛ و ورهرامی، و. (۱۴۰۱). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در بازارکار: مطالعه موردی کشور سوریه، فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، ۱۲(۱)، ۱۵۳-۱۸۷.
۲. رجائیان، م؛ و باقرپور، پ. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت اقتصادی زنان با رویکرد پویایی‌شناسی سیستم. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۳(۲)، ۷-۳۶.
۳. زاهد، ز؛ نصراللهی، ز؛ و مهینی‌زاده، م. (۱۳۹۹). از تبعیض جنسیتی به سوی برابری و رشد اقتصادی (مطالعه کشورهای در حال توسعه)، زن در توسعه و سیاست، ۱۸(۴)، ۶۴۳-۶۶۲.
۴. زبیدی، ح؛ امامی، ک؛ محمدی، ت؛ و غفاری، ف. (۱۴۰۰). شکاف جنسیتی دستمزد و پویایی‌های آن در بازارکار ایران، فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، ۸(۳)، ۸۵-۱۱۲.
۵. زعفرانچی، ل. (۱۴۰۰). بررسی الگوی مشارکت اقتصادی زنان در بازارکار با تمرکز بر ویژگی‌های فردی و خصوصیات خانوار، پژوهش‌نامه زنان، ۱۲(۳۶)، ۱۰۷-۱۳۱.
۶. سعیدی، ع. ا؛ و باجلان، ا. (۱۴۰۱). تحلیل چالش‌های طرح توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در برنامه‌های توسعه، مطالعات راهبردی زنان، ۲۴(۹۵)، ۱۴۷-۱۷۴.
۷. علیقلی، م. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین مشارکت زنان در نیروی کار و توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی، مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۴(۲)، ۶۳-۸۶.
۸. علمی، ز؛ و روستائی‌شلمانی، خ. (۱۳۹۳). اثر توسعه بر مشارکت اقتصادی زنان کشورهای منا با استفاده از روش پانل پروبیت کسری. فصلنامه علمی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۴(۱۴)، ۲۸-۱۱.
۹. فلاحی، ب. (۱۳۹۶). بررسی جریان‌سازی جنسیتی در فرآیند سیاست‌گذاری. فصلنامه علمی پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، ۳(۲)، ۲۳۷-۲۵۷.
۱۰. قره‌حسنلو، ف؛ و میرحسینی، ز. (۱۴۰۰). واکاوی بسترها و زمینه‌های نابرابری جنسیتی در بازار کار و اشتغال، فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۸(۹۵)، ۳۷-۶۹.

۱۱. کرسول، جان. (۱۳۹۴). *پویش کیفی و طرح پژوهش انتخاب از میان پنج رویکرد، ترجمه حسن دانایی فرد و حسین کاظمی، چاپ دوم. تهران: انتشارات صفار.*
۱۲. کلهری، ص؛ و محمدیان، ف. (۱۴۰۱). بررسی رابطه بین دسترسی مالی با توانمندسازی اقتصادی زنان در کشورهای خاورمیانه، زن در توسعه و سیاست، ۲۱(۲)، ۱۶۵-۱۸۲.
۱۳. میروسی نیک، ص. (۱۳۹۳). توسعه انسانی و عدالت جنسیتی در رویکرد قابلیت آماری سن، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۷(۴)، ۴۷-۷۲.
14. Anggraeni, V. P., Bariyah, N., & Kurniawati, S. (2022). Gender equality and economic growth toward fulfillment of sustainable development goals. *Jurnal Geografi*, 14(1), 107-119.
15. Ara, M. J. (2020). The microcredit program in women's empowerment in a natural disaster-prone area of Bangladesh: a critical analysis. *EPH-International Journal of Agriculture and Environmental Research*, 6(1), 1-10.
16. Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative research*, 1(3), 385-405.
17. Azmat, G., & Petrongolo, B. (2014). Gender and the labor market: What have we learned from field and lab experiments? *Labour economics*, 30, 32-40.
18. Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
19. Lahoti, R., & Swaminathan, H. (2016). Economic development and women's labor force participation in India. *Feminist Economics*, 22(2), 168-195.
20. Reshi, I. A., & Sudha, T. (2023). The gender pay gap and its impact on women's economic empowerment. *Morfal jjournal*, 3(1), 9-16.
21. Sadik, A., El Moutaoukil, A., & Bourma, K. (2020). The Empowerment of Women as a Source of Economic and Social Development in Morocco: Exploratory Study of the Economic Status of Moroccan Women Based on the Third Billion Index. *Journal of Applied Business and Economics*, 22(14).
22. Spierings, N., Smits, J., & Verloo, M. (2009). On the compatibility of Islam and gender equality: Effects of modernization, state Islamization, and democracy on women's labor market participation in 45 Muslim countries. *Social Indicators Research*, 90, 503-522.

23. Sudha, T., & Reshi, I. A. (2023). Unleashing the power: empowering women for a stronger economy. *International Journal of Educational Review, Law And Social Sciences (IJERLAS)*, 3(3), 826-833.
24. Sundström, A., Paxton, P., Wang, Y. T., & Lindberg, S. I. (2017). Women's political empowerment: A new global index, 1900–2012. *World Development*, 94, 321-335.
25. Tam, H. (2011). U-shaped female labor participation with economic development: Some panel data evidence. *Economics Letters*, 110(2), 140-142.
26. Thaddeus, K. J., Bih, D., Nebong, N. M., Ngong, C. A., Mongo, E. A., Akume, A. D., & Onwumere, J. U. J. (2022). Female labour force participation rate and economic growth in sub-Saharan Africa: "a liability or an asset". *Journal of Business and Socio-economic Development*, 2(1), 34-48.
27. Verick, S. (2014). Female labor force participation in developing countries. *IZA World of Labor*.
28. Xu, L. (2015). Effects of female political participation on economic growth: Evidence from Asian countries.

پیوست‌ها

شرح کامل متون و اسناد مورد تحلیل در پژوهش^۱:

۱- قانون اساسی

۲- برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور خطوط اساسی و جهت‌گیری‌های کلی هدف‌ها و سیاست‌های هر بخش را تعیین می‌کنند و امور اجرایی نیز در مسیر آن هدف‌ها پیش می‌روند.

- برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، در ۱۱ بهمن ماه سال ۱۳۶۸ به تصویب رسیده و برای سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ تنظیم شد.

- قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ۲۰ آذر ماه سال ۱۳۷۳ تصویب شد. آغاز برنامه دوم، فروردین سال ۱۳۷۴ و پایان آن ۲۹ اسفند سال ۱۳۷۸ پیش‌بینی شده بود.

۱. این متون و اسناد بالادستی از آن جهت انتخاب شده‌اند که شامل کلیه قوانین و سیاست‌های موجود بعد از انقلاب هستند که مباحث مربوط به زنان و مشارکت اقتصادی آنان به نوعی در آنها مطرح شده است.

- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برای دوره ۵ ساله سوم، فروردین سال ۱۳۷۹ تا ۲۹ اسفند سال ۱۳۸۳ بود که در تاریخ ۱۷ فروردین سال ۱۳۷۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.
- لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از سوی دولت مورخ ۲۲ دی ماه سال ۱۳۸۲ به مجلس شورای اسلامی تقدیم و در جلسه علنی مجلس در تاریخ ۱۱ شهریور ماه ۱۳۸۳ با اصلاحاتی تصویب شد. این برنامه برای سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ تدوین شده است.
- برنامه پنجم (۱۳۹۰-۱۳۹۴) دیرتر از موعد ارائه شده و برنامه چهارم نسبت به برنامه‌های قبلی، بازه زمانی طولانی‌تری دارد.
- برنامه ششم توسعه، برای دوره زمانی ۱۳۹۶-۱۴۰۰ تهیه شده است.
- ۳- سیاست‌های کلی خانواده
 رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۵ در اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی «سیاست‌های کلی خانواده» را که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده است، ابلاغ کردند.
- ۴- الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت
- ۵- مصوبات مجلس
- ۶- منشور حقوق شهروندی
- ۷- منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳.
- ۸- سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۷۱/۵/۲۰ - شورای عالی انقلاب فرهنگی)
- ۹- شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۵۷۰ مورخ ۸۴/۷/۲۶ سیاست‌های ارتقاء مشارکت زنان در آموزش عالی را تصویب نمود.
- ۱۰- سیاست‌های پیشگیری و بازتوانی زنان از آسیب‌های اجتماعی / مصوب شورای فرهنگی اجتماعی زنان / شورای زنان در مورخ ۱۳۸۲/۲/۲۰ «سیاست‌های پیشگیری و بازتوانی زنان از آسیب‌های اجتماعی» را در جلسه شماره ۴۶۱ تصویب نمود.

۱۱- اصول و مبانی روش‌های اجرایی در مسئله گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۷۶.

در ۱۶ بند در جلسه ۴۱۳ مورخ ۷۶/۱۱/۱۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب نهایی رسید.

۱۲- شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۵۶۶ مورخ ۸۴/۵/۴ در چارچوب اصول و مبانی روش‌های اجرایی گسترش فرهنگ عفاف مصوب جلسه ۴۱۳ مورخ ۷۶/۱۱/۱۴ راهبردهای گسترش فرهنگ عفاف را تصویب نمود.

۱۳- سیاست‌ها و راهبردهای ارتقای سلامت زنان، مصوب جلسه ۶۱۳ مورخ ۱۳۸۶/۸/۸ شورای انقلاب فرهنگی.

۱۴- سیاست‌های تحکیم و تعالی خانواده: مصوب جلسه ۵۶۴ مورخ ۸۴/۴/۷ شورای انقلاب فرهنگی و به پیشنهاد شورای فرهنگی و اجتماعی زنان.

۱۵- سیاست‌های بهبود وضع گذران اوقات فراغت زنان و دختران؛ مصوب جلسه ۵۱۳ مورخ ۸۱/۱۲/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی به پیشنهاد شورای فرهنگی و اجتماعی زنان.

۱۶- شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۵۰۵ مورخ ۸۱/۷/۱۶ به پیشنهاد شورای فرهنگی و اجتماعی زنان) نامه شماره ۱۳۲۱/ش ز مورخ ۸۱/۶/۱۲، سیاست‌های فرهنگی - تبلیغی روز زن را تصویب کرد.

۱۷- قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت؛ مصوب جلسه ۱۴۰۰/۷/۲۴ کمیسیون مشترک طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده مجلس شورای اسلامی مطابق اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی.

۱۸- قانون کار.

۱۹- قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی؛ قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی در سال ۱۳۷۴ به تصویب رسید. هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۵/۹/۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون یاد شده را تصویب نمود.

۲۰- قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۸ مرداد ۱۳۶۲ در مجلس اول - تأیید ۱۰ شهریور ۱۳۶۲ در شورای نگهبان).

۲۱- آیین‌نامه مرخصی‌ها (مصوب ۱۳۴۶/۷/۲۲ هیئت وزیران).

- ۲۲- آیین نامه استخدامی پیمانی.
- ۲۳- قانون الزام فراگیری آموزش های فنی و حرفه ای برای اشتغال به کار، مصوب ۱۳۷۶.
- ۲۴ قانون اصلاح ماده (۳) قانون اعزام دانشجو به خارج از کشور مصوب ۱۳۶۴ - مصوب ۱۳۷۹/۱۲/۱۴.
- ۲۵- مصوبات استانی دولت نهم (معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری) ۱۳۸۵.

